

## متن پیاده سازی شده

### بسم الله الرحمن الرحيم

مستحضرید که بحث در اشکالات اخباریین به حجیت ظواهر قرآن بود؛ جواب های مرحوم آخوند به اخباریین مطرح شد. اما اشکال چهارم اخباری ها: وجود عام، خاص، مطلق، مقید و نسخ مانع از ظهور گیری از قرآن می باشد. پاسخ مرحوم آخوند: ان العلم اجمالا بطروء ارادة خلاف الظاهر انما یوجب الاجمال فیما اذا لم ینحل بالظفر فی الروایات بموارد خلاف الظاهر... .

علم اجمالی به عارض شدن اراده خلاف ظاهر (تخصیص، تقیید و مجاز) همانا باعث اجمال آیه می شود اما به شرطی که علم اجمالی منحل نشود؛ و به واسطه تفحص فقیه از مقیدات و مخصصات این علم اجمالی منحل می شود. مثال: یک گله گوسفندی است که العیاذ بالله 10 گوسفند از آن مورد تجاوز قرار گرفته است بعد بینه آمد 10 گوسفند را موطوعه نامید در اینجا می فرمایند علم اجمالی منحل است.

نکته: ممکن است بینه اشتباه کند و این 10 گوسفند واقعا موطوعه نباشند.

مرحوم آخوند می فرماید ممکن است به 10 % از مقیدات و مخصصات ... فقیه نرسد اما همین که فحص کند و ظفر به 90 % مخصصات و ... پیدا کند علم اجمالی منحل می شود.

مرحوم آخوند دو ادعا دارد یکی در عبارت ایشان قبل از مع است و یکی بعد از مع؛

راجع به بعد از مع باید گفت این دعوا برعکس اینکه شما می گوئید بعید نیست حداقل به زعم اخباری بعید است.

اما ادعای اول: انحلال علم اجمالی با پیدا کردن مقدار معلوم بالاجمال سه اشکال دارد.

اشکال اول: اگر انسان به مقدار معلوم بالاجمال، موارد پیدا کند خیلی ها میگویند اگر پس از انعقاد علم اجمالی باشد علم اجمالی منحل نمی شود. (مرحوم حکیم)

مثلا اگر ساعت 11 علم اجمالی پیدا کردی که یکی از دو ظرف نجس است و در ساعت 12 یکی از محل ابتلا خارج شد برخی می گویند این مورد، خارج از موارد علم اجمالی است؛ در ما نحن فیه هم فقیه همین که با ادله کار می کند علم اجمالی می آید و چند سال طول می کشد که به مقیدات و مخصصات دست پیدا کند و لذا علم اجمالی از قبل پدید آمده است و مرحوم حکیم اشکال می کند: آقای آخوند این نزاع در بین اصولیین نیز می باشد چه برسد به اخباریین.

اشکال دوم از مرحوم مشکینی: اصلا انحلال موارد علم اجمالی با موارد ظفر را خیلی ها قبول ندارند؛ ومعتقدم علم اجمالی منحل می شود که اولاً: به مقدار معلوم بالاجمال، موارد خلاف ظاهر را پیدا کنید ثانیاً: بدانید مواردی که پیدا کردید همان موارد علم اجمالی است.

فرق این دو اشکال: آقای حکیم روی زمان ظفر تاکید دارد و مرحوم مشکینی بر تطابق موارد ظفر با موارد علم اجمالی تاکید دارد.

استاد علیدوست: اشکالی که ما داریم، این قصه که کسی علم اجمالی به تکلیفی دارد و با پیدا کردن مواردی (به واسطه بینه شرعی) علمش از بین برود؛ این بحث در باب اشتغال خوب جواب میدهد اما بحث ما، در باب ظواهر است و سوال این است که آیا در بحث ظواهر هم انحلال معنا دارد یا نه؟

در بحث ظواهر مدرسه ای نمی شود برخورد کرد. نمی شود به روش صغری و کبری پیش رفت و لذا اگر رساله ای از مرجع تقلیدی بیرون بیاید و مقلد یقین کند 100 مساله اشتباه شده است مقلد اگر بگردد و 100 مساله پیدا بکند که احتمال اشتباه

بودنش می رود (اما نمی داند که این 100 تا همان 100 تا معلوم بالاجمال است یا نه) در اینجا عقلا بنایشان بر توقف است و عمل نمی کنند مگر اینکه شبهه غیر محصور باشد.

دلیل پنجم: اخذ به ظواهر قرآن تفسیر به رای است و تفسیر به رای ممنوع است ولذا اخذ به ظواهر ممنوع است.

اشکالات مرحوم آخوند: اشکال اول: اخذ به ظواهر اصلا تفسیر نیست که شما بگویی تفسیر به رای است؛ تفسیر یعنی پرده برداشتن اما اخذ به ظواهر استفاده از مدلول است.

اشکال دوم: اخذ به ظواهر بر فرض که تفسیر باشد اما تفسیر به رای نیست؛ چرا که تفسیر به رای این است که مفسر ذهنیت خود را به قرآن تحمیل کند.

اشکال سوم: تفسیر به رای دو قسم دارد:

الف: تفسیر به رای ممدوح.

ب: تفسیر به رای مذموم.

واخذ به ظواهر از نوع ممدوح است.

**الحمد لله رب العالمین**